

عقل در ایران باستان و دوره اسلامی

- ۱- سرزمین ایران در عهد پیش از باستان نیز یکی از کانون های اولیه ی عقل گرایی بوده است.
  - ۲- حکیمان قدیم ایران، مردم را به عقل دعوت می کردند.
  - ۳- گرایش هایی همچون گزارش های فردوسی در شاهنامه و سهروردی در کتاب حکمه الاشراق نشان می دهد:
  - حکیمان پیش از باستان هم به عقل به عنوان دستگاه تفکر اهمیت می دادند.
  - هم از عقل به عنوان یک وجود برتر آگاه بودند.
  - خدا را عقل نامیده اند.
  - در اندیشه ی حکیمان ایران پیش از باستان:
  - آفریدگار مجموعه ی جهان را با عقل خود رهبری می کند.
  - خدا جهان را بر اساس خرد می آفریند.
  - «فردا» که نام خداوند است، با خرد و اندیشه ی جهانیان و خرد انسان ها آفریده است.
- این عقل گرایی به تدریج از قدرتش کاسته شد و در عصر ساسانیان و اواخر این عصر به ضعف گرایید، به طوری که مواردی از عقاید غیر عقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد.

در تاریخ تمدن اسلامی، می بینیم که علوم عقلی و به خصوص فلسفه، گزارش فراوان و رشد چشمگیری داشته است.

دعوت قرآن کریم و معصومین علیهم السلام به تفکر و آموزه های عقلانی سبب شد عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ویژه ای یابد.

جایگاه ویژه ی عقل سبب شد حرکت عمومی مسلمانان به سوی دانش در حوزه ی های مختلف صورت گیرد.

در دوره ی اسلامی، مخالفت مستقیم و صریح با عقل، کمتر صورت می گرفت. البته برخی جریان های فکری به دو شکل زیر به مخالفت با عقل پرداختند:

- ۱- محدود کردن دایره ی اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن.
- ۲- مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی.

### **محدود کردن دایره ی اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن**

این جریان ها می کوشیدند نشان دهند برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارد و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند مرتکب خطا می شوند و به دین آسیب می رسانند.

### **مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی**

از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تا کنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بر دارنده ی عقاید کسانی

مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

### پاسخ به مخالفت با فلسفه تحت عنوان دستاورد یونانی و غیر اسلامی

۱- بسیاری از آرای سقراط، افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد.

۲- فلسفه شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد آن شود و تحقیق کند و فقط با استدلال می توان درباره ی درستی یا نادرستی یک دانش نظر داد.

« دانش فلسفه » به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره ی حقیقت اشیاء است.

در فلسفه نیز « همانند سایر شاخه های دانش »، بهره گیری از دستاورد های متفکران دیگر ضروری است، لکن این استفاده باید همراه با نقد و بررسی سخنان آن فلاسفه باشد. زیرا فقط با استدلال است که می توان درباره ی درستی یا نادرستی یک دانش نظر داد، نه با یونانی یا ایرانی یا چینی بودن صاحب آن دانش.

مدرسه مجازی اینو